

تحلیل تأثیرپذیری مثنوی تحفة العراقین از قرآن کریم

طاهره ایشانی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۰

چکیده

خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم هجری است که با لقب "شاعر دیرآشنا" شهره گشته است. مثنوی «تحفة العراقین» که حاصل و ره‌آورد سفر خاقانی به مکه معظمه است؛ تحت تأثیر فراوان آیات قرآن کریم قرار گرفته است. تحلیل و بررسی این تأثیرات علاوه بر این که به درک و دریافت بیش تر شعر او کمک می‌نماید؛ میزان تسلط و آگاهی خاقانی را نسبت به قرآن کریم نیز نشان می‌دهد. لذا در این مقاله بر آنیم تا با روش تحلیلی-آماری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، هنر سبکی خاقانی و بلاغت او را در مثنوی «تحفة العراقین» از حیث کاربرد آیات بررسی نماییم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که با توجه به نوع کاربرد آیات، خاقانی بیش تر از چه شیوه یا شیوه‌هایی بهره برده است؟ هم‌چنین بسامد و درصد کاربرد آیات قرآن کریم در این مثنوی چه میزان است و این مسأله مبتین چه چیزی است؟ نتیجه این پژوهش حاکی از این است که خاقانی در کاربرد واژه‌های قرآنی، آیه و یا آیات قرآن کریم در این مثنوی از شیوه‌های متنوع بلاغی بهره برده که از میان آن‌ها، دو شیوه «تلمیح» و «وام‌واژه» بیش از همه در شعر او کاربرد داشته است. این مسأله مبتین شخصیت دینی و مذهبی خاقانی و تسلط و اشراف کامل او بر قرآن کریم است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، تحفة العراقین، بلاغت.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه زبان و ادبیات فارسی (استادیار)، تهران.

مقدمه

خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم هجری مشهور به لقب "شاعر دیرآشنا" در میان پژوهشگران معاصر است. چنین لقبی بیانگر این است که وی اشعاری دشوار و دیریاب می‌سراید و برای فهم و درک شعر او آشنایی با طب، نجوم، قرآن، حدیث و ... ضروری است.

مثنوی «تحفة العراقین» که به نام «تحفة الخواطر و زبدة الضمائر» در دیباچه (۱۳۵۷: ۱۱) ذکر شده، بالغ بر ۳۱۵۸ بیت است و خاقانی آن را در بحر هزج مسدس اخب مقبوض مقصور یا محذوف سروده است. دیباچه این مثنوی که یازده صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است، به نثری زیبا و در عین حال دشوار نوشته شده و می‌توان گفت براعت استهلالی است از این مثنوی. آنجا که خاقانی می‌گوید: «...تا جهازی از جهاد نفسی ساخته شد و حلیتی از حالت شرعی پرداخته آمد» (همان: ۷-۸) که به طور صریح اذعان می‌نماید این کتاب، سفرنامه‌ای معنوی، روحانی و شرعی است. دلیل دیگر بر اثبات این مدعای ما جملات زیبا و عارفانه خاقانی است در دیباچه:

«... دوش در مجلس سلطان، از دست شحنة جام گرفته‌ام، در دارالملک مقام داده‌اند، از خزانه خلعت‌ام فرموده‌اند. چه می‌گویم، چه می‌شنوی، سلطان به حقیقت خداست و شحنة با انصاف محمد مصطفی و دارالملک به شرط کعبه و خزانه به حق قرآن، آن سلطان که «له ملک السموات و الأرض» نقش سکه اوست، قهر «یفعل الله ما یشاء» سرهنگ آستانه اوست، آن شحنة که «لاله الاله» ازدهای بیرق اوست. ندای «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل» مهر تشریف اوست» (همان: ۴-۱۰ با تلخیص).

این مثنوی حاصل و ره‌آورد سفر وی به مکه معظمه است و تحت تأثیر فراوان آیات قرآن کریم قرار گرفته است. تحلیل و بررسی این تأثیرات علاوه بر اینکه به درک و دریافت بیش‌تر شعر او کمک می‌نماید؛ میزان تسلط و آگاهی این شاعر را نسبت به قرآن کریم نیز نشان می‌دهد. لذا در این مقاله بر آن‌ایم تا با روش تحلیلی-آماری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، هنر سبکی خاقانی و بلاغت او را در مثنوی «تحفة العراقین» از حیث کاربرد آیات بررسی نماییم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که با توجه به نوع کاربرد

آیات، *خاقانی* بیش تر از چه شیوه یا شیوه‌هایی بهره برده است؟ هم‌چنین بسامد و درصد کاربرد آیات قرآن کریم در این مثنوی چه میزان است و این مسأله مبین چه چیزی است؟

باتوجه به آشنایی *خاقانی* به علوم مختلف مخصوصاً علوم دینی؛ فرضیات این پژوهش نیز این است که به نظر می‌رسد مثنوی «تحفة العراقین» سرشار از واژه‌ها و آیات قرآنی است و اثرپذیری *خاقانی* از قرآن با استفاده از شیوه‌های متنوع بلاغی هم‌چون اقتباس، وام‌واژه و تلمیح صورت گرفته و بسامد بالایی را نیز به خود اختصاص داده است. در باب پیشینه چنین پژوهشی باید گفت پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در تحفة العراقین خاقانی» در سال ۱۳۵۸ از حسین *خالقی‌راد* نوشته شده که تفاوت کار ایشان با مقاله پیش رو در محتوای پژوهش است. بدین ترتیب که *خالقی‌راد* به ذکر آیات و احادیث با توجه به ابیات اکتفا می‌کند و به تحلیل آماری انواع تأثیرپذیری این مثنوی از قرآن کریم نمی‌پردازد. بنابراین تحقیقی با این رویکرد صورت نگرفته است.

مروری بر زندگی خاقانی به روایت تحفة العراقین

خاقانی "حستان العجم شعر فارسی" در حدود سال‌های ۵۱۹ و ۵۲۰ هـ ق در شهر شروان، پا به عرصه هستی نهاد (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۶۳۵. پاورقی). پدر *خاقانی*، *استاد علی نجار*، بنا به گفته *خاقانی* در حرفه‌اش مهارت زیادی داشته و در «تحفة العراقین» به طور مبالغه‌آمیزی، او را *آزر بت تراش* هنرمند دانسته است:

آزر هنری، خلیل کردار تابوت‌گری مسیح گفتار

(خاقانی، ۱۳۵۷: ۲۱۴)

مادرش، زنی عیسوی و نسطوری بوده که به شغل طبّاحی اشتغال داشته است، و در «تحفة العراقین»، *خاقانی* او را چنین معرفی می‌نماید:

نسطوری و موبدی نژادش اسلامی و ایزدی نهادش

بگریخته از عتاب نسطور آویخته در کتاب مسطور

کدبانو بوده چون زلیخا برده شده باز یوسف آسا

تا مصحف و لا إله دیده

زانجیل و صلیب دررمیده

(همان: ۲۱۵)

و جدّ او بافنده بوده است:

در صنعت من کمال ابجد

جولاهه نژادم از سوی جد

(همان: ۲۰۴)

اما/فضل الدّین، شغل پدر و شغل جدّ را پیشه خود نمی‌سازد؛ بلکه تحت حمایت عمّاش، کافی الدّین عمر بن عثمان قرار می‌گیرد. خاقانی در این مثنوی به صورت مفصّلی به معرفی شخصیت او می‌پردازد؛ به طوری که تقریباً پنج الی شش صفحه از این مثنوی را به تمجید وی اختصاص می‌دهد (همان: ۲۱۷-۲۲۱). نمونه‌ای از آن در اینجا آورده می‌شود:

در سایه عمّربن عثمان

بگریخته‌ام ز دیو خذلان

صدر اجل و امام اکرم

هم صدرم و هم امام و هم عم

افکنند مرا چو زال را سام

مسکین پدرم ز جور ایّام

در زیر پرّم گرفت چون زال

او سیمرغی نمود در حال

(همان: ۲۱۷-۲۱۸)

خاقانی به مدت هفت سال تا سنّ بیست و پنج سالگی در مکتب عمویش، قرآن و مقدمات مربوط به علوم عربی، پزشکی، نجوم و حکمت الهی را فرا گرفت. در همین دوران سرودن شعر را آغاز کرد و چون در این کار مهارت فراوان او آشکار شد، که عمّاش به او لقب "حسّان العجم" داد. فضل الدّین در فراگرفتن علوم از دانش و بینش وحید الدّین عثمان، پسر عمّ خود نیز بهره‌ها برد.

انواع تأثیرپذیری مثنوی تحفة العراقین از قرآن کریم

انواع تأثیرپذیری صوری «تحفة العراقین» خاقانی از آیات قرآن کریم بر اساس دو

رویکرد بررسی و تحلیل می‌گردد:

الف. بر اساس کتب بدیع با عناوینی هم‌چون «اقتباس»، «تلمیح» و «عقد» که مؤمنی هزاه (۱۳۸۸) این رویکرد را با نام «شیوه‌های ملقب تأثیرپذیری از قرآن» نامیده است.

ب. دومین رویکرد که جزء شیوه‌های غیرملقب اثرپذیری متون ادبی از قرآن است؛ به دو مقوله «لفظی» و «مفهومی» تقسیم می‌شود. «لفظی» وقتی است که واژه‌ای [یا ترکیبی] از قرآن اخذ و در کلام ذکر شود. این قبیل واژگان [یا ترکیب‌ها] گاهی بدون هیچ تغییری مورد استفاده قرار می‌گیرد، گاهی ترجمه آن‌ها به کار می‌رود و گاهی با دستکاری و تغییرات همراه نشده، به شکل واژه‌ای [یا ترکیبی] جدید در می‌آید. قسم نخست را می‌توان «وام‌واژه»، قسم دوم را «ترجمه» و قسم سوم را واژه‌سازی [یا ترکیب‌سازی] نامید. «مفهومی» نیز آن است که شاعر مفهومی را از قرآن اخذ و بدون استفاده از الفاظ اصل، در کلام خود ذکر نماید (همان: ۳۹).

در ادامه نمونه ابیاتی از «تحفة العراقین» ذکر می‌گردد و سپس در قسمت بحث و نتیجه‌گیری به تحلیل و بررسی فراوانی و درصد هریک از این موارد پرداخته می‌شود.

الف. تأثیرپذیری از قرآن کریم بر اساس کتب بدیع (شیوه‌های ملقب)

خاقانی در موارد زیادی از واژه‌ها و یا آیات قرآن کریم در مثنوی «تحفة العراقین» بهره برده است که بر اساس کتب بدیع با عناوینی هم‌چون «اقتباس»، «تلمیح» و «عقد» شناخته شده‌اند. بسامد چنین اثرپذیری در قسمت بحث و تحلیل بیان می‌گردد و در این قسمت به منظور پرهیز از اطناب به ذکر پنج مورد برای هر قسمت اکتفا می‌گردد.

اقتباس

چنانکه پیش از این نیز ذکر شد؛ اقتباس عبارت است از کاربرد جمله‌ای از قرآن در مصراع، بیت [یا جمله‌ای] بدون تغییر؛ خواه جمله اخذشده کامل باشد یا ناقص؛ ساده باشد یا مرکب. خاقانی در قسمتی از دیباچه مثنوی «تحفة العراقین» که با این عبارات بیان می‌گردد:

«...که به انصاف گفتیم و بیعی مقارن است که هکذا هکذا آلا فلا و آخرُ

دعویهم أن الحمد لله رب العالمین» (دیباچه: ۱۱)

به بخشی از آیه دهم سوره یونس (۱۰):

﴿دَعْوِيَهُمْ فِيهَا سَبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجُوا بِحَمْدِ اللَّهِ رَبِّ

العالمين﴾

«و در آن بهشت) زبان شوق به تسبیح و تقدیس خدا گشایند که بار الها

تو از هر نقص و آرایش منزهی و ثنای آن‌ها در بهشت (جسم و جان‌شان را

از هر رنج و درد و غم) سلامت ابدی می‌بخشد و آخرین سخن‌شان، حمد

پروردگار عالمیان است»

توجه داشته و به صورت جمله‌ای کامل از آن بهره برده است.

او هم‌چنین در بیت زیر:

برخوانده بَرَاءَةٌ مِنْ اللَّهِ

بر عالم شرک از در شاه

(ص ۳۸)

به صراحت قسمت ابتدایی آیه اول سوره توبه (۹):

﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

«بیزاری‌ای است از جانب خدا و پیامبرش با مشرکینی که با شما

(مسلمین) پیمان بستند»

را اقتباس نموده و از آن در شعر خویش استفاده نموده است.

خاقانی در طول سفر خویش به مکه، خدمت ملک الوزراء جمال الدین محمد موصلی

می‌رسد و از مولد و منشأ و کیفیت و حرفه خاقانی سؤال می‌نماید. وی این‌گونه پاسخ

می‌دهد:

هَذَا رَبِّي خُطَابِ رَانِدِه

در بند نجوم جاه مانده

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي أَغَاذِ

پس کرده بروی قبله راز

(ص ۴۳)

این دو بیت ناظر است به آیات زیر:

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي، فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفَلِينَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي، فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لئن لم يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ، فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيٌّ مِمَّا تَشْرِكُونَ، إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (سوره الأنعام (۶) / ۱۷۶ الی ۷۹)

«پس چون شب تاریک نمودار شد، ستاره درخشانی دید (برای هدایت مشرکان، حضرت ابراهیم) گفت: این پروردگار من است. پس چون آن ستاره غروب کرد و نابود شد، گفت: چیزی که نابود گردد به خدایی نخواهم گرفت. پس چون (شب شد و) ماه تابان را دید (باز برای هدایت قوم) گفت: این خدای من است. وقتی که آن هم نابود شد، گفت: اگر خدای من، مرا هدایت نکند همانا که من از گروه گمراهان عالم خواهم بود. پس چون صبحگاه، خورشید درخشان را دید (باز برای ارشاد قوم) گفت: این است خدای من، این از آن ستاره و ماه، با عظمت تر و روشن تر است. پس آن نیز نابود گردید، گفت: ای گروه مشرکان، من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بیزارم. من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و من هرگز با (عقیده جاهلانه) مشرکان، موافق نخواهم بود.»

چنانکه مشاهده می‌گردد *خاقانی* خود را هم‌چون حضرت *ابراهیم(ع)* می‌داند که خلیل‌وار بت‌های درون‌اش را شکسته و معتقد به یکتایی خداوند است. *خاقانی* در توصیف غازیان که به مبارزه با کفار می‌پردازند؛ آنان را با عباراتی هم‌چون «حزب الله، مجاهدان دین، جیوش مسلمین و...» وصف می‌نماید در حالی که در راه اسلام سرافشانی می‌نمایند:

سر داده و تاج برفشانده
ما عند الله باق خوانده

(ص ۱۲۳)

این عبارت قرآنی ناظر است به آیه زیر:

﴿مَاعِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَاعِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ...﴾ (سوره النحل (۱۶) / ۹۶)

«آنچه در نزد شماست رو به کاستی است و آنچه نزد خداست ماندگار می‌باشد»

با توجه به شاهد مثال‌های مذکور و هم‌چنین بررسی‌های انجام شده، کاربرست اقتباس آیات قرآنی در مثنوی «تحفة العراقین» ۳۴ مورد است. این آیات از سوره‌های بقره (۳بار)، مؤمنون (۲بار)، انعام (۲بار)، یونس، عنکبوت، نور، توبه، نحل، حشر، انفطار، ص، آل عمران، فجر، شمس، ابراهیم، اسراء، فرقان، تین، واقعه، حدید، فتح، ناس، مریم، ضحی، تکویر، الرحمن، علق، نساء، نجم، تکاثر و قلم مقتبس شده است.

عقد

عقد(حل یا تحلیل) - چنانکه پیش از این اشاره شد- آن است که شاعر [یا نویسنده] جمله‌ای را از قرآن اخذ و آن را همراه با تغییراتی در کلام خود ذکر نماید. *خاقانی* در موارد بسیاری از این آرایه استفاده نموده و آیاتی را با تغییر در شعر خویش به کار برده است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد: *خاقانی* پس از رسیدن به خدمت *ملک الوزراء جمال الدین محمد موصلی* - در طول سفر - به معرفی خویش می‌پردازد. *جمال الدین محمد موصلی* در نکوهش خودستایی *خاقانی* چنین می‌گوید:

لافی که ز آدمم به برهان
وآنکه أنا ربّی اینت نادان
(ص ۴۵)

مصراع دوم بیت اخیر اشاره دارد به غرور و تکبر فرعون که ادعای خدایی می‌کرد و در آیه:

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ (سوره النازعات (۷۹) / ۲۴)

«پس (از غرور و تکبر) گفت: منم خدای بزرگ شما»

ذکر گردیده است. لذا *جمال الدین محمد موصلی*، *خاقانی* را هم‌چون فرعون می‌داند که مغرور به خویشتن است و خود را برتر از دیگران می‌داند.

خاقانی هم‌چنین در توصیف شهر بغداد خطاب به آفتاب چنین می‌سراید:

بستانش حدائق است و اعناب
سُگانش کواعب است و اتراب
(ص ۱۰۰)

با توجه به ابیات یادشده خاقانی شهر بغداد را هم‌چون بهشتی می‌داند که باغ‌ها و انگورستان‌های زیبا دارد و ساکنان آن دختران زیباروی هم‌سال است. بیت اخیر ناظر است به آیات:

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا، حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا، وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا﴾ (سوره النبأ (۷۸) / ۳۱ الی ۳۳)

«متقیان را در آن جهان، مقام هرگونه آسایش است، باغ‌ها و تاکستان‌ها است و دختران (زیبا) که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند».

خلیفة الحق، المقتفی لأمر الله از جمله ممدوحان خاقانی است که در این مثنوی مورد توجه و مدح خاقانی قرار گرفته است. خاقانی در شعری با نام «در صفت خلیفه المقتفی فرماید» به مدح و ستایش او و بارگاه‌اش می‌پردازد و او را صاحب اسرار و سردار و سرور بندگان مخلص خدا می‌نامد:

سردار عالم یقین اوست سردار عباد مخلصین اوست

(ص ۱۰۶)

در مصراع دوم ترکیب «عباد مخلصین» ناظر است به آیه زیر:

﴿قَالَ فِعْزَتِكَ لِأَعْوِينَ هُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ (سوره ص (۳۸) / ۸۲-

(۸۳)

«شیطان) گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد مگر خاصان از بندگانت (که دل از غیر بریده و) برای تو خالص شدند».

خاقانی هم‌چون در توصیف و مدح علما و فضلا، آنان را افرادی دیندار و مؤمن معرفی می‌نماید که همیشه در مسیر شرع گام برمی‌دارند و تزلزل‌ناپذیرند:

ربّ ارحم با نفس سرشته ثبتنا بر نگین نوشته

(ص ۱۲۲)

چنانکه مشاهده می‌شود خاقانی در بیت دوم، از عبارات قرآنی بهره می‌برد. در مصراع اول عبارت قرآنی «ربّ ارحم» ناظر است به آیه:

﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (سوره المؤمنون (۲۳) / ۱۱۸)

«و بگو ای پروردگرم ببخش و رحم کن زیرا که تو نیکوترین بخشندگانی»

و مصراع دوم واژه «ثبتنا» اگر به صورت امر خوانده شود، ناظر است به آیه:
﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ﴾ (سوره البقرة (۲) / ۲۵۰)

«چون آن‌ها در میدان مبارزه جالوت و لشگریان او آمدند از خدا خواستند:
پروردگارا! ما را صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و ما را بر
شکست کافران یاری فرما».

اگر این کلمه به صیغه ماضی و به فتح باء خوانده شود ناظر است به آیه زیر:
﴿وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتُمْ تَرَكُّنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ (سوره الاسراء (۱۷) / ۷۴)
«ای پیامبر اسلام) اگر ما تو را استوار و پایرجا نمی‌داشتیم احتمالاً کمی به
سوی آن‌ها متمایل می‌شدی».

تلمیح

تلمیح آن است که شاعر [یا نویسنده] قصه‌ای [یا واقعه‌ای] را از قصص قرآن اخذ و
در ضمن کلام خود ذکر نماید؛ خواه با الفاظ قرآنی همراه باشد یا نباشد.
اشاره به قوم عاد و سرنوشت آنان، سختی‌های حضرت مریم (س) و معجزات حضرت
عیسی (ع)، حضرت یوسف و حضرت یعقوب (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، اصحاب کهف و
دیگر داستان‌های قرآن در جای جای «تحفة العراقین» بازتاب یافته است. در ادامه به
نمونه‌هایی از تلمیح به قصص قرآن اشاره می‌گردد:
هم عادت عادیان سراسر در سر همه بادهای صرصر
(ص ۱۳۹)

این بیت ناظر است به آیه ۶ سورة الحاقه (۶۹):

﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ﴾

«و اما در مورد طایفه عاد، آنان به وسیله باد سرد و سختی نابود شدند».
خاقانی هم‌چنین در شعری نیز خطاب به حضرت رسالت (ص) به مدح و ستایش
ایشان می‌پردازد و ضمن آن، اشعار خویش را هم‌چون لعبتانی می‌داند که گاه هم‌چون
مریم (س) گرفتار تهمت بدکاران قرار گرفته است:

چون مریم روزه دار و عذرا بس تهمت دیده مریم آسا

(ص ۱۵۲)

بیت اخیر- همان طور که مشاهده می‌گردد- اشاره دارد به پاکدامنی حضرت مریم و روزه‌داری او به هنگام تولد حضرت عیسی در آیه ۲۶ سوره مریم (۱۹):

﴿...فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِيْ إِنَّ نَّذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾

«...هرگاه فردی از افراد بشر را دیدی؛ بگو همانا من برای خداوند روزه

سکوت نذر کرده‌ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت».

داستان حضرت ابراهیم(ع) نیز در قسمت‌های مختلف این مثنوی محسوس است.

خاقانی در مدح و ستایش حضرت رسول (ص) به پیامبرانی هم‌چون حضرت آدم در بیت:

آدم که کلاه فطرت افتاد از خاک ادیم نعل تو زاد

(ص ۱۵۵)

حضرت نوح(ع) در بیت:

ملاحی زورق تو کرده

نوح از تو به بحر بازخورده

(همان)

حضرت موسی(ع) در بیت:

آتش خواه از در تو گشته

موسی چو فسرده ره نوشته

حضرت ابراهیم(ع) در بیت:

تا آتش او برو فسرده

ابراهیم از تو مهره برده

(همان)

و مقام حضرت ختمی مرتبت(ص) را بالاتر از همه آنان می‌داند.

بیت اخیر ناظر است به آیات ۶۸-۶۹ سوره الانبیاء (۲۱):

﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾

«گفتند (ابراهیم را) بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر کاری

خواهید کرد، ما خطاب کردیم: ای آتش! سرد و سالم برای ابراهیم باش».

خاقانی به طور کلی در ۷۱ بیت، از ۷۱ آیه قرآن مربوط به سوره‌های کهف (۸بار)،

یوسف (۷بار)، بقره (۶بار)، مریم (۶بار)، شعراء (۵بار)، انبیاء (۵بار)، آل عمران (۴بار)،

اعراف (۴بار)، احزاب (۳بار)، اسراء (۲بار)، سبأ (۲بار)، مائده (۲بار)، قصص (۲بار)، هود (۲بار)، مؤمنون (۲بار)، نمل (۲بار)، توبه، فرقان، قدر، صفات، حاقه، فیل، یونس، ابراهیم، انعام و تکویر به صورت عقد بهره برده است.

چنانکه مشاهده می‌گردد خاقانی در اشاره و تلمیح به وقایع، قصص و داستان‌های قرآن بیش‌تر به سوره‌های کهف، یوسف، بقره، مریم شعراء و انبیاء توجه داشته است.

ب. تأثیرپذیری خاقانی از قرآن کریم بر اساس شیوه‌های غیرملقب

وام‌واژه

این آرایه وقتی به کار می‌رود که واژه‌ای [یا ترکیبی] از قرآن بدون هیچ تغییری اخذ و در کلام شاعر یا نویسنده ذکر شود. در ادامه به نمونه‌هایی از واژه‌ها و ترکیب‌های خاقانی در این مثنوی که از کتاب خدا وام گرفته شده است اشاره می‌گردد:

رودی است که کوثرش عدیل است آبش سلسال و سلسبیل است (ص ۱۰۳)

در مصراع دوم اشاره دارد به چشمه‌ای در بهشت به نام «سلسبیل» که ناظر است به آیه زیر:

﴿عَيْنَا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا﴾ (سوره الإنسان (۷۶) / ۱۸)

«در بهشت، چشمه‌ای است که سلسبیل نامیده می‌شود».

مهرش چو بر او قرار گیرد رضوان الله نگار گیرد (ص ۱۱۴)

در مصراع دوم «رضوان الله» برگرفته از آیه ۲۷ سوره حدید (۵۷) است:

﴿... مَا كُتِبَ عَلَيْهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ...﴾

«ما بر آن‌ها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) نوشتیم».

واژه‌سازی - ترکیب‌سازی

این آرایه وقتی به کار می‌رود که واژه‌ای [یا ترکیبی] از قرآن به شکل واژه‌ای [یا ترکیبی] جدید در شعر و یا نثر استفاده گردد. در ادامه به شاهد مثال‌هایی از این دست می‌پردازیم:

مرد ذکروا الله اندر آن راه وارسته ز آفت نسوا الله

(ص ۵۵)

در مصراع اول عبارت قرآنی «ذکروا الله» ناظر است به آیه ۲۲۷ سوره الشعراء (۲۶):

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا﴾

«مگر آنانکه اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند».

و مصراع دوم نیز ناظر است به عبارت قرآنی «نسوا الله» در آیه ۱۹ سوره الحشر (۵۹):

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

«همانند آنان مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خودهاشان را فراموش‌شان گردانید و آنان بدکاران عالم‌اند».

چون سنگ سیاه را کنی لمس نندیشی از آفت اذالشمس

(ص ۱۳۲)

عبارت «اذا الشمس» برگرفته از آیه ۱ سوره التکویر (۸۱) است:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾

«هنگامی که خورشید تیره و تار گردد».

مفهومی

چنانکه اشاره شد «مفهومی» آن است که شاعر مفهومی را از قرآن اخذ و بدون استفاده از الفاظ اصل، در کلام خود ذکر نماید. در ادامه به نمونه‌هایی از کاربرد این آرایه اشاره می‌گردد:

چون اشتر بختی قدم زن بیرون گذری ز چشم سوزن

(ص ۲۷)

این بیت اشاره دارد به مثلی در قرآن کریم، و ناظر است به آیه ۴۰ سوره الاعراف (۷):
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ
 الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾

«همانا آنان که تکذیب کنند آیات خدا را و از کبر و نخوت سر بر آن فرود
 نیاورند هرگز درهای آسمان به روی آن‌ها باز نشود و به بهشت وارد
 نمی‌شوند تا آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد و اینگونه گنهکاران را مجازات
 سخت خواهیم کرد».

بر چشمه شیر و می فرود آی
 چون شیر به فرث و دم میالای
 (ص ۷۲)

مصراع اول اشاره دارد به آیه ۱۵ سوره محمد (۴۷):

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ
 وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾

«داستان بهشتی که به متقیان در دنیا وعده دادند، این است که در آن باغ
 بهشت، رودهایی از آب گوارای همیشه زلال و نیز رودهایی از شیر یافت
 می‌شود بی آنکه هرگز مزه و طعم‌اش تغییر کند و نهرهایی از شراب (ناب)
 که نوشندگان را لذت بخشد».

نتیجه بحث

چنانکه مشاهده می‌گردد کاربرد فراوان آیات و واژه‌های قرآنی سبب آراستگی شعر
 خاقانی شده و تأکیدی نیز بر اعتقادات دینی اوست. این مسأله حاکی از پیوند استوار و
 محکم مثنوی «تحفة العراقین» با قرآن کریم و اشراف کامل او بر این صحیفه آسمانی
 است. هم‌چنین می‌توان گفت این مسأله مبین مداومت خاقانی بر خواندن قرآن کریم و
 یا حتی حفظ آن است. این موضوع با تحلیل آماری، بیش‌تر مشخص می‌گردد.

بر اساس جدول بسامد و درصد تأثیرپذیری «تحفة العراقین» از قرآن کریم مشخص
 می‌گردد که خاقانی ۲۴۴ بار از آیه/ آیات مختلف قرآن - و یا کلمات و واژه‌های موجود
 در آیه استفاده نموده است. پرتکرارترین آیه/ آیه‌ها به ترتیب، مربوط به سوره‌های زیر

است و از این سوره‌ها در اشعار خویش بیش‌ترین بهره را برده است. این مسأله نشان از تسلط *خاقانی* به قرآن کریم و به‌ویژه این سوره‌هاست: بقره (۲۳ بار)، کهف (۱۲ بار)، انعام (۸ بار)، یوسف (۸ بار)، مریم (۸ بار)، آل عمران (۸ بار)، اعراف (۸ بار)، مؤمنون (۷ بار)، انبیاء (۷ بار)، شعراء (۶ بار) و احزاب (۴ بار).

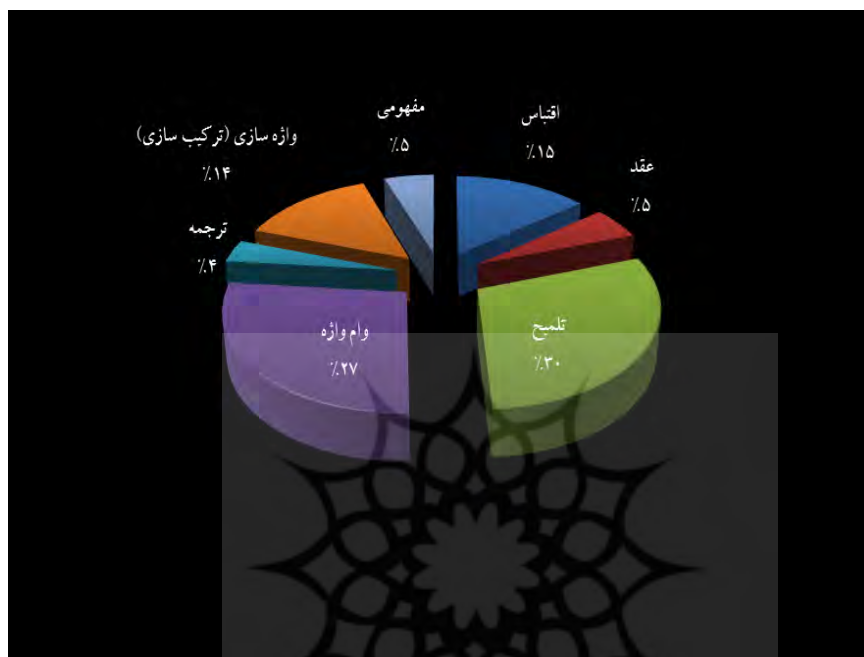
هم‌چنین بر اساس نمودار بررسی مقایسه‌ای انواع تأثیرپذیری از قرآن کریم در «تحفة العراقین» چنانکه مشاهده می‌شود «تلمیح» و سپس «وام‌واژه» بیش‌ترین کاربرد را در شعر *خاقانی* داشته است؛ به طوری که بیش از ۵۰٪ از تأثیرپذیری‌ها به این امر اختصاص یافته است. با توجه به این مسأله و هم‌چنین جدول بسامد و درصد تأثیرپذیری «تحفة العراقین» از قرآن - قسمت تلمیح - مشخص می‌شود *خاقانی* - در این مثنوی - به سوره‌های کهف، یوسف، بقره، مریم، شعراء، انبیاء، آل عمران، نجم، الرحمن و اعراف بیش از سایر سوره‌ها اشراف داشته است. این مسأله نشانگر این است که *خاقانی* به قصص قرآن کریم به‌ویژه داستان‌های مربوط به پیامبران توجهی ویژه داشته و اهمیت آن را در شعر خویش می‌دانسته است.

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده مشخص می‌گردد *خاقانی* در جای جای مثنوی پربار معنوی خویش به مفاهیم بلند و عمیق قرآن کریم استناد و استشهاد نموده، و از آن به شیوه‌های مختلف و متنوع برای تأیید و تحکیم اندیشه‌های خویش بهره برده است به طوری که می‌توان آن را از ویژگی‌های سبکی *خاقانی* به شمار آورد و او را شاعری صاحب سبک در این زمینه دانست. بی‌گمان با تأمل و تعمق در دیوان این شاعر، نمونه‌های فراوانی از کاربرد آیات قرآن در شعر او قابل دستیابی است که به فهم و درک بیش‌تر شعر او کمک شایانی می‌نماید.

جدول بسامد و درصد تأثیرپذیری «تحفة العراقین» از قرآن

درصد	بسامد	سوره‌های مورد استفاده	نوع تأثیرپذیری از قرآن
۱۴.۳۴٪	۳۵	بقره (۳بار)، مؤمنون (۲بار)، انعام (۲بار)، یونس، عنکبوت، نور، توبه، نحل، حشر، انفطار، ص، آل عمران، فجر، شمس، ابراهیم، اسراء، فرقان، تین، واقعه، حدید، فتح، ناس، مریم، ضحی، تکویر، الرحمن، علق، نساء، نجم، تکاثر و قلم.	اقتباس
۵.۳۲٪	۱۳	نازعات، آل عمران، قدر، نبأ، ص، مؤمنون، بقره، اسراء، انعام، کهف، یس، انسان و اعراف	عقد
۲۹.۵۰٪	۷۲	کهف (۸بار)، یوسف (۷بار)، بقره (۶بار)، مریم (۶بار)، شعراء (۵بار)، انبیاء (۵بار)، آل عمران (۴بار)، اعراف (۴بار)، احزاب (۳بار)، اسراء (۲بار)، سبأ (۲بار)، مائده (۲بار)، قصص (۲بار)، هود (۲بار)، مؤمنون (۲بار)، نمل (۲بار)، توبه، فرقان، قدر، صافات، حاقه، فیل، یونس، ابراهیم، انعام و تکویر	تلمیح
۲۷.۰۴٪	۶۶	بقره (۷بار)، نجم (۴بار)، الرحمن (۴بار)، طور (۳بار)، یس (۲بار)، آل عمران (۲بار)، مؤمنون (۲بار)، نبأ (۲بار)، قلم (۲بار)، انسان (۲بار)، انعام (۲بار)، تین (۲بار)، رعد (۲بار)، مائده (۲بار)، حجر (۲بار)، نمل، زمر، نساء، عنکبوت، بروج، توبه، حدید، یوسف، شمس، طه، یونس، مجادله، ناس، فرقان، اسراء، ص، یوسف، قیامه، قدر، فصلت، مدثر، نور، انسان، طور، واقعه و فتح.	وام‌واژه
۳.۶۸٪	۹	انعام، نبأ، قدر، انبیاء، قصص، نساء، رعد، کهف و عبس	ترجمه
۱۴.۳۴٪	۳۵	بقره (۵بار)، آل عمران (۴بار)، یس (۲بار)، مدثر (۲بار)، شعراء، الرحمن، حشر، توبه، تکویر، ناس، مائده، فصلت، علق، فرقان، اعراف، یونس، طه، احزاب، مریم، ابراهیم، انبیاء، انعام، حمد، کهف، طلاق و ملک	واژه‌سازی - ترکیب‌سازی
۵.۷۳٪	۱۴	اعراف (۲بار)، حجر، محمد، نحل، نبأ، احزاب، اسراء، مدثر، مزمل، طه، بقره، نور و حج	مفهومی
	۲۴۴	جمع کل	

نمودار بررسی مقایسه‌ای انواع تأثیرپذیری از قرآن کریم در «تحفة العراقین»



کتابنامه

قرآن کریم

- خاقانی شروانی، بدیل بن علی. ۱۳۵۷، **مثنوی تحفه العراقین**، به اهتمام و تصحیح و حواشی و تعلیقات یحیی قریب، تهران: بی‌نا.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین‌الحسینی. ۱۳۵۳، **تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر**، با مقدمه جلال‌الدین همایی و به اهتمام محمد دبیر سیاقی، جزء سوم از مجلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی خیام.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. ۱۳۵۰، **سخن و سخنوران**، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- مرزبان راد، علی. ۱۳۷۹، **قرآن و حدیث در ادب فارسی**، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

مقالات

- حجت، محمد. ۱۳۸۷، «اثرپذیری دیوان صائب تبریزی از قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۲، شماره ۶، تابستان: صص ۸۹-۱۰۴.
- طبیعیان، سیدحمید. ۱۳۸۴-۱۳۸۵، «در سایه سخن پاک»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، زمستان و بهار، شماره ۵۶-۵۷: صص ۸۹-۱۱۵.
- مجوزی، محمد و علیخانی ثانی ابدال آبادی، فاطمه. ۱۳۹۳، «کاربرد آیات و احادیث در تاریخ بیبھقی»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشگاه اصفهان: صص ۸۵-۱۰۲.
- محسنی‌نیا، ناصر. ۱۳۸۲، «مقایسه تأثیرپذیری دو شاعر بزرگ حبسیه‌سرای فارسی و عربی از قرآن و حدیث»، مجله فرهنگ، شماره‌های ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز: صص ۲۵۵-۲۷۷.
- مؤمنی‌هزاوه، امیر. ۱۳۸۸، «بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن»، فصلنامه اندیشه‌های ادبی، دوره ۱، شماره ۱: صص ۲۵-۴۳.